اَلتَّمْرينُ الْخامِسُ:

أ. تَـرْجِـمِ الْأَفعـالَ.

ترجمه کن فعل‌ها را:

١. تَقْتَرِحْنَ: پیشنهاد می‌دهید	رَجاءً، اِقْتَرِحْنَ: امر پیشنهاد بدهید	٧. اِنْفَتَحَ: گشوده شد	لَمْ يَنْفَتِحْ: مجزوم بالم گشوده نشد ـ گشوده نشده است
٢. تَبْتَعِدُ: دور می‌شوی	لا تَبْتَعِدْ: نهی دور نشو	٨. تَظاهَرَ: وانمود کرد	لا نَتَظاهَرُ: مضارع منفی وانمود نمی‌کنیم
٣. تُسْرِعُ: می‌شتابی	أَسْرِعْ: امر بشتاب	٩. تَوَكَّلَ: توکّل کرد	سَنَتَوَكَّلُ: مستقبل توکل خواهیم کرد
٤. يَعْتَذِرُ: پوزش می‌خواهد	أَعْتَذِرُ: مضارع متکلم وحده پوزش می‌خواهم	١٠. عَلِّمْ: آموزش بده	عَلِّمْني: امر + نون وقایه آموزش بده به من
٥. قاتَلَ: جنگید	لا يُقاتِلْ: نهی نباید بجنگد	١١. يَرْجِعُ: بر می‌گردد	لَنْ يَرْجِعَ: مستقبل منفی برنخواهد گشت
٦. اِسْتَهْلَكَ: مصرف کرد	ما اسْتَهْلَكْنا: ماضی منفی مصرف نکردیم	١٢. يَنْجَحُ: موفّق می‌شود	لِيَنْجَحْ: امر با لام باید موفق شود

ب. تَـرْجِـمِ الْأَسماءَ.

ترجمه کن اسم‌ها را:

١. كَبُرَ: بزرگ شد	اَلْأَكابِر: جمع اکبر اسم تفضیل بزرگ‌ترها	٧. اِحْتَفَلَ: جشن گرفت	اَلاِحْتِفالات: مصدر جمع جشن‌ها
٢. نَدِمَ: پشیمان شد	اَلنّادِمونَ: جمع اسم فاعل پشیمان شدگان	٨. اِسْتَمَعَ: گوش فرا داد	اَلْمُسْتَمِعينَ: اسم فاعل جمع گوش فرادهندگان
٣. عَمِلَ: کار کرد	اَلْمَعْمَل: اسم مکان کارگاه	٩. غَفَرَ: آمرزید	اَلْغَفّار: اسم مبالغه بسیار آمرزنده
٤. نَصَرَ: یاری کرد	اَلْمَنْصورات: جمع اسم مفعول یاری شدگان	١٠. لَعِبَ: بازی کرد	اَلْمَلاعِب: جمع اسم مکان ورزشگاه‌ها
٥. شَجَّعَ: تشویق کرد	اَلْمُشَجِّعَة: اسم فاعل تشویق کننده	١١. صَغُرَ: کوچک شد	اَلصُّغْرىٰ: مونث اسم تفضیل کوچک‌تر
٦. عَيَّنَ: مشخّص کرد	اَلْمُعَيَّن: اسم مفعول مشخص شده	١٢. دَرَّسَ: درس داد	اَلتَّدْريس: مصدر باب تفعیل درس دادن